

زیبایی شناسی هگل و حکمت هنر اسلامی

محمد مهدی حکمت مهر



زیبایی‌شناسی هگل و حکمت هنر اسلامی

محمد مهدی حکمت‌مهر

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۳۰۰

قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

طراح جلد: سید ایمان نوری نجفی

چاپ و صحافی: هنگام

سرشناسه: حکمت‌مهر، محمد مهدی، ۱۳۶۱.

عنوان و نام پدیدآور: زیبایی‌شناسی هگل و حکمت هنر اسلامی / محمد مهدی حکمت‌مهر.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۶۰۴ص.

شابک: ۳-۴۲۶-۱۰۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: قیبا.

یادداشت: کتابنامه. یادداشت: نمایه.

موضوع: هگل، گئورگ ویلهلم فردریش، ۱۷۷۰-۱۸۳۱م. - زیبایی‌شناسی.

موضوع: Hegel, Georg Wilhelm Friedrich -- Aesthetics

موضوع: زیبایی‌شناسی.

موضوع: Aesthetics

موضوع: فلسفه آلمانی -- قرن ۱۹م -- تاریخ و نقد.

موضوع: Philosophy, German -- 19th century -- History and criticism

موضوع: فلسفه اسلامی -- نقد و تفسیر.

موضوع: Islamic philosophy -- Criticism and interpretation

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ج۸/۹ ب ۳۹۴۹

رده‌بندی دیویی: ۱۹۳

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۷۶۲۷۱

تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

www.poiict.ir

همه حقوق محفوظ است

تقدیم به هنرمندان هنر حکمی

بالاخص

سید شهیدان اهل قلم، سید مرتضی آوینی

که هنرمندانه زیست

و هنرمندانه بال گشود

فهرست

پیشگفتار.....	۱۵
مقدمه.....	۱۹
اهمیت و ضرورت موضوع و تبیین آن.....	۱۹
پیشینه تحقیق.....	۲۲
نوآوری های تحقیق.....	۲۳
هدف تحقیق و کاربرد آن.....	۲۴
روش تحقیق.....	۲۵
تعریف مسئله و بیان سؤالات تحقیق.....	۲۵
فرضیه تحقیق.....	۲۵
ساختار تحقیق.....	۲۶
سیاسگزاری.....	۲۷
بخش اول: بررسی و تحلیل زیبایی شناسی هگل	۲۹
مقدمه.....	۳۱
مبحث اول: واژه شناسی و پیشینه	۴۳
گفتار اول: واژه شناختی زیبایی شناسی.....	۴۳
گفتار دوم: پیشینه زیبایی شناسی.....	۴۵
۱. دوره یونان.....	۴۶
۱-۱. پیش سقراطیان.....	۴۷
۱-۲. افلاطون.....	۴۹

۵۰ ۱-۳. ارسطو
۵۱ ۱-۴. فلوطین
۵۱ ۲. قرون وسطی
۵۲ ۲-۱. آگوستین
۵۳ ۲-۲. آکوئیناس
۵۳ ۳. دوره جدید
۵۵ ۳-۱. رنسانس
۵۶ ۳-۲. دکارت
۵۷ ۳-۳. لایپنیتس
۵۷ ۳-۴. تجربه‌گرایان
۵۸ ۳-۵. باوم‌گارتن
۶۰ ۳-۶. کانت
۶۴ ۳-۸. ایدئالیست‌های آلمانی
۶۵ ۳-۸-۱. شیلر
۶۶ ۳-۸-۲. فیشته و شلینگ
۶۸ ۳-۹. معاصران هگل
۶۹ مبحث دوم: زیبایی
۷۰ گفتار اول: ماهیت زیبایی
۷۳ گفتار دوم: تقدم زیبایی هنری بر زیبایی‌های طبیعت
۸۱ مبحث سوم: جایگاه هنر
۸۱ گفتار اول: جایگاه هنر در آثار هگل
۸۲ ۱. آثار دوره جوانی
۸۳ ۲. پدیدارشناسی، منطق و دایرة‌المعارف
۸۵ ۳. درس‌گفتارهای زیبایی‌شناسی
۸۸ گفتار دوم: جایگاه هنر در نظام فلسفی هگل
۸۹ ۱. نیاز به هنر
۹۱ ۲. منشأ هنر
۹۱ ۳. غایت هنر

۴. هنر، جلوه حسی ایده ۹۳
۵. هنر، تجلی امر ناسوتی ۹۷
۶. تلفیق صورت و مضمون ۹۹*
۷. شأن معرفتی هنر ۱۰۱
۸. نقص هنر ۱۰۳
- گفتار سوم: نسبت هنر با دین و فلسفه ۱۰۴
۱. نقطه اشتراک هنر با دین و فلسفه ۱۰۶
۲. اختلاف‌های هنر، دین و فلسفه ۱۰۶
- ۲-۱. رسانه ۱۰۶
- ۲-۲. نحوه بیان ۱۰۹
۳. قرابت معرفت‌شناسی و تاریخ ۱۱۰
- مبحث چهارم: ادوار هنری ۱۱۵**
- گفتار اول: دوره نمادین ۱۲۴
۱. مشخصه‌ها ۱۲۴
۲. هنرها ۱۳۲
- گفتار دوم: دوره کلاسیک ۱۳۶
۱. مشخصه‌ها ۱۳۷
۳. هنرها ۱۴۶
- گفتار سوم: دوره رمانتیک ۱۵۰
۱. مشخصه‌ها ۱۵۱
۳. هنرها ۱۶۶
- مبحث پنجم: مرگ هنر ۱۸۱**
- گفتار اول: نظر هگل ۱۸۲
- گفتار دوم: مرگ هنر پس از هگل ۱۹۳
- مبحث ششم: هنرمند ۲۰۱**
- گفتار اول: منشأ هنر ۲۰۱
- گفتار دوم: هنرمند هگلی ۲۰۲
۱. تخیل ۲۰۴

۲۰۸ ۲. نبوغ
۲۱۳ ۳. عزلت هنرمند در مدرنیته
۲۱۵ مبحث هفتم: زیبایی‌شناسی پسا‌هگلی
۲۱۷ گفتار اول: زیبایی‌شناسی قرن هجدهم و نوزدهم
۲۱۹ گفتار دوم: زیبایی‌شناسی قرن بیستم
۲۲۳ نتایج بخش
۲۲۹ بخش دوم: هنر در حکمت اسلامی
۲۳۱ مقدمه
۲۳۹ مبحث اول: ماهیت هنر اسلامی
۲۳۹ گفتار اول: مفهوم‌شناسی هنر
۲۴۲ گفتار دوم: تقسیم هنر
۲۴۳ ۱. هنر غیرحکمی
۲۴۶ ۲. هنر حکمی
۲۵۲ گفتار سوم: هویت هنر اسلامی
۲۵۵ گفتار چهارم: علل چهارگانه هنر
۲۵۵ ۱. علت فاعلی
۲۶۰ ۲. علت صوری
۲۶۱ ۳. علت مادی
۲۶۱ ۴. علت غایی
۲۶۴ گفتار پنجم: هنر شیدایی حق
۲۶۵ گفتار ششم: هنر و دین
۲۶۶ ۱. اشتراک و اختلاف
۲۷۱ ۲. نسبت و رابطه
۲۷۵ مبحث دوم: علم الجمال و زیبایی‌شناسی اسلامی
۲۷۷ گفتار اول: واژه‌شناسی و تعریف زیبایی
۲۸۲ گفتار دوم: معیار و مناظر زیبایی
۲۸۸ گفتار سوم: منشأ زیبایی
۲۹۵ گفتار چهارم: زیبایی واجب‌الجمیل

گفتار پنجم: زیبایی ممکن الجمیل.....	۳۰۱
گفتار ششم: اقسام زیبایی.....	۳۱۰
گفتار هفتم: نسبیت یا اطلاق زیبایی.....	۳۱۲
گفتار هشتم: زیبایی و حقیقت.....	۳۱۵
گفتار نهم: ادراک زیبایی.....	۳۱۷
گفتار دهم: زیبایی و عشق.....	۳۲۴
گفتار یازدهم: زیبایی و لذت.....	۳۳۳
گفتار دوازدهم: زیبایی و هنر.....	۳۳۸
مبحث سوم: خیال و مکاشفه.....	۳۴۱
گفتار اول: تقسیم خیال.....	۳۴۲
۱. خیال منفصل.....	۳۴۳
۲. خیال متصل.....	۳۴۸
۱-۲. جایگاه.....	۳۴۸
۲-۲. کارکرد.....	۳۵۱
گفتار دوم: تجارب شهودی.....	۳۵۸
۱. کشف.....	۳۶۴
۲. الهام.....	۳۶۷
۳. رؤیا.....	۳۷۰
گفتار سوم: نقش خیال و مکاشفه در هنر.....	۳۷۳
۱. مراتب خلاقیت هنری.....	۳۷۵
۲. ذوق هنری.....	۳۸۱
۳. نقش خیال در نگارگری.....	۳۸۲
مبحث چهارم: هنرمند اسلامی.....	۳۸۵
گفتار اول: هنرمند دینی در تقابل با هنرمند غربی.....	۳۸۶
گفتار دوم: هنرمند به مثابه اثر هنری.....	۳۸۷
گفتار سوم: هنرمند به مثابه موهبتی الهی.....	۳۹۰
گفتار چهارم: هنرمند مظهر اسماء الهی.....	۳۹۳
گفتار پنجم: رهایی از انانیت.....	۳۹۷

- گفتار ششم: سیر و سلوک هنرمند ۴۰۱
- گفتار هفتم: هنرمندان حکمی و غیرحکمی ۴۱۱
- مبحث پنجم: هنر و طبیعت** ۴۱۷
- گفتار اول: رویکرد هنر شرقی به طبیعت ۴۱۷
- گفتار دوم: طبیعت‌گرایی هنر ۴۱۸
- گفتار سوم: زیبایی طبیعت ۴۱۹
- مبحث ششم: محاکات** ۴۲۳
- گفتار اول: محاکات از عالم بودها ۴۲۴
- گفتار دوم: نمادگرایی ۴۲۷
۱. سمبولیسم غربی ۴۲۹
۲. نمادگرایی هنر اسلامی ۴۳۰
- مبحث هفتم: شمایل و خطاطی** ۴۳۵
۱. شمایل ۴۳۵
- ۱-۱. شمایل‌شکنی در صدر اسلام ۴۳۷
- ۱-۲. حکم شمایل‌سازی در فقه شیعی ۴۳۸
- ۱-۳. شمایل‌سازی بر اساس مبانی حکمی اسلام ۴۴۲
- ۱-۴. فقدان شمایل در هنر اسلامی ۴۴۵
۲. خطاطی ۴۴۷
- نتایج بخش** ۴۵۱
- بخش سوم: بررسی تطبیقی** ۴۵۵
- مقدمه ۴۵۷
- مبحث اول: مبانی** ۴۵۹
- گفتار اول: مبانی معرفت‌شناختی ۴۵۹
- گفتار دوم: مبانی جهان‌شناختی ۴۷۱
- گفتار سوم: مبانی دین‌شناختی ۴۷۷
- گفتار چهارم: مبانی انسان‌شناختی ۴۸۶
- مبحث دوم: مسائل** ۴۹۵
- گفتار اول: زیبایی ۴۹۵

۴۹۵.....	۱. منشأ زیبایی.....
۴۹۶.....	۲. قلمرو زیبایی.....
۴۹۷.....	۳. معیار زیبایی.....
۴۹۹.....	۴. زیبایی طبیعت.....
۵۰۱.....	گفتار دوم: هنر.....
۵۰۱.....	۱. ماهیت هنر.....
۵۰۴.....	۲. تقلید یا محاکات در هنر.....
۵۱۰.....	۳. مجسمه‌سازی.....
۵۱۴.....	گفتار سوم: هنرمند.....
۵۱۴.....	۱. جایگاه هنرمند.....
۵۱۸.....	۲. نقش آفرینی تخیل یا نبوغ در هنر.....
۵۲۳.....	نتایج بخش.....
۵۲۷.....	مؤخره.....
۵۳۳.....	کتابنامه.....
۵۳۳.....	۱. فارسی و عربی.....
۵۵۷.....	۲. لاتین.....
۵۶۳.....	فهرست آیات.....
۵۶۹.....	فهرست روایات.....
۵۷۱.....	فهرست اشعار.....
۵۷۹.....	نمایه.....
۵۸۹.....	نمایه موضوعی.....

پیشگفتار

در پرتو پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، بار دیگر دین و معرفت دینی به‌ویژه تعالیم متعالی اسلامی، به عنوان فکر و فرهنگ مترقی و نجات‌بخش آدمی، در عرصه حیات انسان معاصر ظاهر شد. تجدید حیات تعالیم و حیانی و ارزش‌های اسلامی از سویی سبب بیداری و خودباوری ملت‌های مسلمان و احیای روح ستم‌ستیزی در آنان شد و از دیگر سبب‌هاست نمایان‌تر شدن سست‌پایگی مسلک‌ها و مکتب‌های بشری و نظام‌های مبتنی بر آنها گشت.

بایستگی تحقیقات دقیق و منسجم، نظریه‌پروری و نوآوری درباره زیرساخت‌های اندیشه دینی و نظامات اجتماعی مبتنی بر آن و ضرورت پرداخت علمی و روزآمد به حوادث واقع‌فکری، به فراخور شرایط کنونی و درخور این رستخیز عظیم و نیز لزوم آسیب‌شناسی در حوزه فرهنگ ملی و باورداشت‌های رایج دینی به منظور عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و زدودن پیرایه‌های موهوم و موهون از ساحت قدسی دین و تبیین و عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و صیانت از هویت فرهنگی و سلامت فکری اقشار تحصیل‌کرده و نسل جوان کشور، تأسیس نهاد علمی - پژوهشی و آموزشی، دانشگاهی و حوزوی ممحض و کارآمدی را فرض می‌نمود.

بر این اساس «پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» به عنوان یک نهاد علمی - فکری حسب‌الامر و بر اساس نظر رهبر فرهیخته انقلاب اسلامی

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و با تلاش فراوان آیت‌الله علی‌اکبر رشاد در سال ۱۳۷۳ تأسیس شد.

این پژوهشگاه دارای شخصیتی حقوقی، مستقل و در حکم نهاد عمومی و غیردولتی و غیرانتفاعی است که در قالب چهار پژوهشکده «حکمت و دین‌پژوهی»، «نظام‌های اسلامی»، «فرهنگ و مطالعات اجتماعی» و «دانشنامه‌نگاری دینی» و همچنین «مرکز پژوهش‌های جوان» فعالیت می‌کند. پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی که مشتمل بر شش گروه علمی با عنوان‌های «فلسفه»، «معرفت‌شناسی»، «مطالعات قرآن و حدیث»، «کلام»، «عرفان» و «منطق فهم دین» است، به منظور تحقق هدف‌های زیر فعالیت می‌کند:

۱. بازپژوهی و بازپیرایی حکمت و کلام و معارف اسلامی؛
۲. تبیین و ساماندهی مناسب مباحث زیرساختی اندیشه دینی؛
۳. ایجاد بستر مناسب برای تعمق و پویایی و بالندگی اندیشه دینی؛
۴. پاسخ به شبهه‌های القایی در قلمرو عقاید و کلام اسلامی؛
۵. نقد مکتب‌ها و دیدگاه‌های معارض در حوزه زیرساخت‌های اندیشه دینی.

در راستای تحقق هدف‌های فوق، هر یک از گروه‌ها، پس از تهیه عنوان‌های مطالعاتی اساسی و اولویت‌گذاری و تهیه پیش‌طرح و تصویب آن در شورای علمی گروه، آن را به اعضای هیئت علمی خود یا محققان عرصه دین‌پژوهی، واگذار نموده و با نظارت بر روند اجرای تحقیق و تأیید نهایی، برای دسترسی عموم دانش‌پژوهان حوزه دین‌پژوهی، آن را به چاپ و نشر می‌رسانند.

فلسفه هنر و فلسفه زیبایی از مهم‌ترین فلسفه‌های مضاف می‌باشد. در غرب از زمان یونان باستان درباره هنر و زیبایی تأمل شده است. در دوره جدید نیز فیلسوفان در این باره نظریه‌پردازی کرده‌اند؛ اما در اینجا فلسفه هنر و زیبایی صورت دیگری پیدا کرد. اصل حاکم بر کل عصر جدید، یعنی سوپرتکتویسم در هنر و زیبایی نیز تسری یافت. در قرن هجدهم «زیبایی‌شناسی» عنوانی شد

برای فلسفه هنر. در این میان هگل اثرگذارترین زیبایی‌شناسی را در قرن نوزدهم پدید آورد. اهمیت زیبایی‌شناسی هگل تا بدانجاست که برخی از سر تأمل بزرگ‌ترین زیبایی‌شناسی غربی را از آن هگل می‌دانند.

مهم‌ترین مقصود این تحقیق در وهله نخست آشکارگی زیبایی‌شناسی هگل است. برای تحقق این مهم از روش تطبیق و مقایسه با جریان رقیب استفاده شده است. حکمت اسلامی را می‌توان جدی‌ترین هم‌اورد فلسفه جدید دانست؛ از این رو در این تحقیق برای آفتابی کردن زیبایی‌شناسی هگل از مقایسه و تطبیق آن با هنر در حکمت اسلامی بهره برده شده است.

در عالم اسلام هرچند هنر و آثار هنری در دوره‌های مختلف مورد توجه بوده است، لیکن علم مستقلی که کل مباحث مربوط به هنر و زیبایی در آن طرح شده باشد، به وجود نیامده است؛ از این رو در بحث از هنر اسلامی ناگزیر باید به مقومات هنر در حکمت اسلامی توجه نمود تا از این طریق به مبانی حکمی هنر اسلامی دست یافت.

محقق در بخش نخست مهم‌ترین مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی هگل را بررسی نموده و در بخش دوم به حکمت هنر اسلامی پرداخته است. ضمناً ساختار، مباحث و گفتارهای این بخش بیش از هر چیزی در راستای ایجاد هم‌اوردی با زیبایی‌شناسی هگل تنظیم شده است. نهایتاً در بخش پایانی بررسی تطبیقی میان زیبایی‌شناسی هگل و حکمت هنر اسلامی انجام می‌شود. بدین صورت که ابتدا مبانی این دو و سپس برخی آموزه‌های این دو مقایسه می‌شود.

این تحقیق بر اساس فرایند پژوهشی پژوهشگاه و در راستای هدف‌های پژوهش‌شده و به قلم محقق ارجمند جناب آقای محمد مهدی حکمت‌مهر در گروه فلسفه نگاشته شده است. ایشان علاوه بر تدریس در دانشگاه دارای مقالاتی نیز می‌باشد.

در پایان از اعضای شورای علمی گروه فلسفه و ارزیابان جناب دکتر علی مرادخانی و حجت‌الاسلام دکتر ابوالحسن غفاری، همچنین مؤلف گرامی که با سعه صدر در تولید و بالندگی اثر تلاش کردند و سازمان انتشارات پژوهشگاه

فرهنگ و اندیشه اسلامی که مسئولیت آماده‌سازی، انتشار و توزیع آن را بر عهده دارد، قدردانی نموده و از استادان و صاحب‌نظران درخواست می‌شود با ارسال نظرها و پیشنهادهای سازنده خویش ما را یاری نمایند.

گروه فلسفه

پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی

مقدمه

اهمیت و ضرورت موضوع و تبیین آن

هنر و زیبایی از عرصه‌های مهم اندیشه غربی است. در غرب از ۲۵۰۰ سال پیش درباره هنر و زیبایی تأمل شده است. افلاطون، ارسطو و حتی پیش‌سقراطیان نیز در این باره نظریه‌پردازی کرده‌اند. این آرا تقریباً نزد فلاسفه قرون وسطی حفظ شده تا به دوره جدید رسید و در دوره جدید صورت دیگری پیدا کرد. در دوره جدید از زمان باوم‌گارتن در قرن هجدهم، به فلسفه هنر «زیبایی‌شناسی» اطلاق شد. در این میان هگل اثرگذارترین زیبایی‌شناسی را در قرن نوزدهم پدید آورد. به جرئت می‌توان گفت مطالعه و بررسی زیبایی‌شناسی هگل اهمیت وافری در شناخت هنر دوره تجدد دارد. فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی هگل از چهار جهت اهمیت دارد:

اول. هگل اثرگذارترین زیبایی‌شناسی را در قرن نوزدهم پدید آورد. تا جایی که هیدگر، آخرین و بزرگ‌ترین زیبایی‌شناسی غربی را از آن هگل می‌داند.^۱ زیبایی‌شناسی هگل به عنوان جامع‌ترین تأمل در غرب بر ذات هنر، متافیزیکی است؛ چراکه در اینجا زیبایی به عنوان تجسد حقیقت مورد بحث قرار گرفته و هنر به طور بنیادینی تحت تأثیر حضور حقیقت (مطلق) است. می‌توان زیبایی‌شناسی هگل را متافیزیکی‌ترین صورت زیبایی‌شناسی دانست که در آن

1. Martin Heidegger; *Nietzsche*; P.84.

موضوعیت نفسانی^۱ بر هنر، تصدیق شده است و همچنین نشان داده شده که موضوعیت نفسانی امر تازه‌ای نیست، بلکه حکایت از اصلی است که بر کل عصر جدید حاکم شده است.

دوم. متافیزیک زیبایی‌شناسی هگل بر کارکرد تاریخی هنر نیز مبتنی است. هگل نخستین نظریه‌پرداز هنری است که بجد می‌کوشد هرمنوتیکی تاریخی را با تحلیل نشانه‌شناختی هنر توأم سازد؛ برنامه‌ای دوجانبه که به ترتیب با آموزه سه‌گانه هنر یعنی هنر نمادین، هنر کلاسیک و هنر رمانتیک و همچنین با دستگاه هنرهای پنج‌گانه، یعنی معماری، مجسمه‌سازی، نقاشی، موسیقی و شعر به تصویر در می‌آید؛ از این رو با توجه به تأثیری که هگل در تاریخ هنر داشته است، برخی او را به عنوان تنها فیلسوفی که در کل هنر مؤثر بوده است، ملقب به «پدر تاریخ هنر مدرن»^۲ نموده‌اند.

سوم. هگل آموزه «پایان هنر» و «مرگ هنر» را اعلام نمود. بر اساس این نظر، هنر در دوره جدید محلی از اعراب ندارد؛ از این رو فلسفه هنر هگل، حکایت تاریخی بزرگی است که مراحل تطور و تحول صورت‌ها و سبک‌های هنر را به تصویر می‌کشد که با تغییر در تأمل هنر، فهم آزادی انسان نیز پیشرفت می‌کند؛ البته این حکایت ازلی و مانا نیست، بلکه با تکامل روح در مدرنیته به پایان خط می‌رسد و اعلام می‌شود نه فقط هنر ذیل دین و فلسفه قرار می‌گیرد، بلکه اصلاً زمانه تالو هنر بزرگ سپری شده و امری مربوط به گذشته است.

چهارم. فارغ از اهمیت هگل در زیبایی‌شناسی، هگل یک فیلسوف برجسته و بزرگ است. فیلسوفان بزرگ، سخنگویان تاریخ هستند. فهم و درک دوره جدید با زبان آنها قوام یافت؛ البته این سخن به معنای آن نیست که فلسفه علت قوام دوره جدید است؛ بلکه باید گفت در حقیقت فلسفه ره‌آموز و راهگشا و

۱. Subjectivism. قوام عالم تجدد به سوژکتویسم است. اگر بتوان با تسامح آغاز آن را به کوگیتو دکارتی نسبت داد، در هگل به تمامیت می‌رسد. برای تفصیل این امر به گفتار اول و چهارم بخش سوم مراجعه شود.

شرط قوام‌یافتن دوران جدید می‌باشد.^۱ بر این اساس تحلیل زیبایی‌شناسی هگل در واقع فهم و درک دوره جدید است.

یکی از روش‌های تحلیل و بررسی یک نظریه یا مکتب، «بررسی تطبیقی» با جریان‌های رقیب است. حکمت اسلامی را می‌توان جدی‌ترین هم‌اورد فلسفه دوره جدید دانست؛ از این‌رو در این تحقیق برای آفتابی کردن زیبایی‌شناسی هگل از مقایسه و تطبیق آن با حکمت هنر اسلامی بهره برده شده است.

در عالم اسلام هرچند هنر و آثار هنری در دوره‌های مختلف مورد توجه بوده است، لیکن علم مستقل و مدونی که کل این مباحث در آن طرح شود و آموزه‌های مستقل و منسجم درباره هنر و زیبایی به دست بدهد، به وجود نیامده است. اصولاً حکمای اسلامی نیز در مباحث حکمی خویش اهمیاتی برای تبیین نظری هنر اسلامی نداشته‌اند؛ حتی در حکمت اسلامی فصل و مبحثی درباره هنر اسلامی وجود ندارد؛ از این‌رو «حکمت هنر اسلامی» تأسیس نشده است.

با همه این اوصاف در تمدن اسلامی هنر اسلامی اصیلی وجود داشته است که در هنرهای خاص همچون خوشنویسی، معماری، شعر، نگارگری و سایر هنرهای دستی تعیین یافته است و این هنرها کم و بیش ملهم از تعالیم اسلامی هستند. از سوی دیگر حکمت اسلامی در واقع تبیین عقلانی همان معارف و تعالیم اسلامی هستند؛ از این‌رو هرچند در تمدن اسلامی فاقد حکمت (فلسفه) هنر دینی هستیم؛ اما می‌توان با عنایت به تعالیم حکمت اسلامی، در خصوص هنر اسلامی نظریه‌پردازی نمود. بی‌تردید این حکمت هنر در واقع تبیینی از آثار هنری اصیل اسلامی به دست می‌دهد. سرّ این امر در مشترک‌بودن منبع هنر اسلامی و حکمت اسلامی است.

بنابراین هرچند بحث مدونی در خصوص هنر در حکمت اسلامی وجود

ندارد، اما می‌توان با اتکا به تعالیم حکمت اسلامی، از «حکمت هنر اسلامی»^۱ سخن گفت. در بحث از «حکمت هنر اسلامی» ناگزیر باید به مقومات هنر در حکمت اسلامی توجه نمود تا از این طریق به مبانی حکمی هنر اسلامی دست یافت؛ از این‌رو در بحث از هنر اسلامی ناگزیر باید به مقومات هنر در حکمت اسلامی توجه نمود تا از این طریق به مبانی حکمی هنر اسلامی دست یافت.

پیشینه تحقیق

تا بدانجا که در میان کتب و مقالات منتشر شده جست‌وجو شد، تحقیقی با این عنوان یافت نشد. با این حال تحقیقاتی هست که با بخشی از این کار مرتبط است.

در خصوص آثار مرتبط با زیبایی‌شناسی هگل باید گفت پیشگفتار هگل بر درس‌گفتارهای زیبایی‌شناسی توسط دکتر عبادیان، یکی از هگل‌پژوهان برجسته ایرانی ترجمه شده است؛ همچنین درس‌گفتارهای زیبایی‌شناسی نیز ترجمه شده است که انتقادهای فراوانی را به همراه داشته و مع‌الاسف با مطالعه آن نمی‌توان زیبایی‌شناسی هگل را فهمید. در خصوص زیبایی‌شناسی هگل نیز باید گفت در زبان پارسی، کتاب مستقلی که به زیبایی‌شناسی هگل پرداخته باشد، نمی‌توان یافت.

در زمینه هنر اسلامی، آثار زیادی منتشر شده است که می‌توان آنها را به نحو زیر تقسیم نمود:

اغلب آثار با توجه به رویکرد سنت‌گرایان بحث کرده‌اند: همچون کتاب مبانی هنر معنوی/ علی‌عابدینی که حاوی مقالاتی از سنت‌گرایان است؛ به علاوه آثار دیگری از سنت‌گرایانی همچون شوان، بورکهارت، کوماراسوامی و دکتر نصر که مشخصات برخی از آنها در کتابنامه موجود است.

۱. «اسلامی» صفت حکمت (فلسفه) هنر است.

برخی نیز آثار هنری را پدیدارشناسی کرده‌اند؛ همچون برخی آثار دکتر بلخاری، البهنسی، نجیب اوغلو، ثروت عکاشه و کونل.

برخی نیز با نگرش عرفانی به هنر پرداخته‌اند؛ همچون حکمت و هنر در عرفان ابن عربی/ دکتر نصرالله حکمت، حکمت انسی و زیبایی‌شناسی عرفانی هنر اسلامی/ دکتر مددپور.

دکتر خاتمی نیز در کتاب ارزشمند پیش‌درآمد فلسفه‌ای برای هنر ایرانی در صدد بوده است با واکاوی تاریخ هنر گذشته، مبانی اندیشه نهفته در آن را بازسازی نماید. محتمل استاد خاتمی در نگارش این اثر به سبک نگارش زیبایی‌شناسی هگل عنایت داشته است؛ چراکه هر دو کتاب مشتمل بر دو بخش اصلی است: بخش اول، مبادی عام هنر و زیبایی؛ بخش دوم، شرح و توصیف هنرهای خاص؛ اما با این اوصاف ایشان تنها حکمت هنر اسلامی را بررسی می‌کند.

با همه این اوصاف نقطه مشترک در قریب به اتفاق آثار مرتبط به زیباشناسی هگل و هنر اسلامی، بررسی نکردن مبانی طرف مقابل است؛ همچنین در هیچ یک از آثار مطالعه تطبیقی میان زیباشناسی هگل و هنر در حکمت اسلامی صورت نگرفته است. این در حالی است که رسالت این تحقیق در این خصوص است.

نوآوری‌های تحقیق

برخی نوآوری‌های این تحقیق عبارت‌اند از:

این تحقیق اولین اثر در زبان فارسی درباره زیبایی‌شناسی هگل است. این تحقیق اولین اثری است که در آن میان زیباشناسی هگل و هنر در حکمت اسلامی مطالعه تطبیقی صورت گرفته است.

در این نگاه‌سته مبانی معرفت‌شناختی، جهان‌شناختی، دین‌شناختی و انسان‌شناختی هگل به‌اختصار تحلیل انتقادی شده است.

در این اثر نگارنده در صدد بوده است تا بر اساس مبانی حکمت اسلامی،

به برخی مؤلفه‌های «حکمت هنر اسلامی» اشاره نماید. در این نگاه‌سته مبانی معرفت‌شناختی، جهان‌شناختی، دین‌شناختی و انسان‌شناختی حکمت هنر اسلامی به اختصار تحلیل شده است.

هدف تحقیق و کاربرد آن

این تحقیق با بررسی تطبیقی زیبایی‌شناسی هگل و هنر در حکمت اسلامی در صدد تحقق هدف‌های زیر بوده است:

اول، مؤلفه‌های مهم زیبایی‌شناسی هگل بر ما آشکار گردد.

دوم، نظریه‌پردازی در عرصه هنر اسلامی با توجه به حکمت اسلامی نه تنها ممتنع نیست، بلکه تا حد زیادی قابل دسترس است.

سوم، با فرض مبری‌بودن زیبایی‌شناسی هگلی و به‌طورکلی هنر و زیبایی‌شناسی غربی از هر نقص، این زیبایی‌شناسی قادر به تأمین نیازهای انسان ایرانی مسلمان نیست و ضرورت دارد که از این زیبایی‌شناسی گذر نمود؛ چراکه زیبایی‌شناسی مدرن در خاکی سر برآورده است که دیگر اتصالی به عالم بالا نیست و در عوض انسان غربی در صدد است با اتکای صرف بر عقل جزئی‌اش، مشکلاتش را حل کند! به علاوه اینکه با اعلان مرگ هنر از سوی هگل، اصولاً هنر و هنرمندان جایگاه مهمی در تمدن غربی نخواهند داشت و هنرمند غربی برای اعاده حیثیت باید به دنبال هنری متفاوت از زیبایی‌شناسی هگل باشد.

چهارم، با آشکارگی عدم برآورده‌شدن نیازهای انسان مسلمان از طریق زیبایی‌شناسی غربی، نقاط عطف حکمت هنر اسلامی روشن گردد. در اینجاست که هنرمند مسلمان ملتفت خواهد شد که بر اساس مبانی حکمی اسلام، نه تنها هنر اسلامی ممکن است، بلکه عطف بدان در تولید آثار هنری ضرورت دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی، تحلیلی، مقایسه‌ای و انتقادی است. بدین صورت که ابتدا در بخش نخست، برخی مؤلفه‌های مهم زیبایی‌شناسی هگل تحلیل می‌شود و سپس در بخش دوم، متناظر به ساختار فصل پیشین، هنر در حکمت اسلامی توصیف و تحلیل می‌شود. در بخش آخر نیز ابتدا مبانی این دو، تحلیل و با یکدیگر مقایسه می‌شود و سپس برخی مسائل آنها.

تعریف مسئله و بیان سؤالات تحقیق

مسئله اصلی این تحقیق عبات است از:

زیبایی‌شناسی هگل و حکمت هنر اسلامی چه اختلاف‌هایی اساسی با هم دارند؟

سؤال‌های فرعی تحقیق نیز عبارت‌اند از:

- مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی هگل کدام‌اند؟

- نتایج و آثار زیبایی‌شناسی هگل در هنر غربی چیست؟

- مؤلفه‌های هنر در حکمت اسلامی کدام‌اند؟

- نتایج و آثار هنر در حکمت اسلامی چیست؟

فرضیه تحقیق

در این تحقیق می‌توان در مباحثی همچون نسبت و ربط هنر با دین و فلسفه، جایگاه هنر در زمانه کنونی، اصل زیبایی، زیبایی در طبیعت، شمایل‌نگاری، خیال و نبوغ، سیره هنرمند، میان هنر اسلامی و زیباشناسی هگل مقایسه نمود. به نظر می‌رسد اگر هم اشتراکات ظاهری میان زیبایی‌شناسی هگل و هنر در حکمت اسلامی یافت شود، اینها تنها اشتراکات ظاهری است؛ چراکه هر یک از این دو، واجد دو عالم مختص به خود بوده و در مبانی اختلاف‌های جدی دارند.

ساختار تحقیق

این تحقیق متشکل از سه بخش و هر بخش واجد چندین مبحث و گفتار است.

بخش اول به تحلیل زیبایی‌شناسی هگل می‌پردازد. ترجمه انگلیسی درس‌گفتارهای زیبایی‌شناسی هگل در دو جلد و قریب ۱۳۰۰ صفحه منتشر شده است. به علاوه هگل در رساله‌های دیگری همچون پدیدارشناسی روح و دانشنامه علوم فلسفی نیز در خصوص هنر به اجمال سخن گفته است. در این تحقیق کل دیدگاه‌های هگل به نحو تفصیلی بررسی نخواهد شد؛ مثلاً هگل نیمی از درس‌گفتارهای زیبایی‌شناسی را به بحث در مورد هنرهای خاص، یعنی معماری، پیکرتراشی، موسیقی، نقاشی و شعر اختصاص می‌دهد. پرداختن به این موضوعات در جای خویش اهمیت دارد، اما آنچه اهمیت وافری دارد این است که روح حاکم بر زیبایی‌شناسی هگل مشخص شود؛ از این رو آنچه در این تحقیق بدان پرداخته شده است، مباحث کلیدی زیبایی‌شناسی هگل است؛ البته با توجه به اینکه زیبایی‌شناسی و به‌طور کلی فلسفه هنر از حوزه‌هایی است که متعاطیان فلسفه در ایران به‌ندرت بدان عنایت دارند، ذکر پیشینه هنر و زیبایی در غرب نیز مهم است. بر این اساس مباحث بخش نخست به صورت زیر است:

واژه‌شناسی و پیشینه زیبایی‌شناسی در غرب؛ زیبایی؛ جایگاه هنر؛ ادوار هنری؛ مرگ هنر؛ هنرمند؛ زیبایی‌شناسی پسا‌هگلی. شایان یاد است که به جز مبحث اول و آخر، در مابقی مباحث تکیه به بحث در خصوص زیبایی‌شناسی هگل است، لیکن با توجه به اقتضای بحث و به منظور ایضاح مطلب، از دیدگاه‌های فیلسوفان و اندیشمندان دیگری همچون افلاطون، کانت و هیدگر بهره برده شده است.

بخش دوم نیز متکفل بحث در مورد هنر در حکمت اسلامی است. این بخش متشکل از چندین مبحث و هر مبحث از چندین گفتار تشکیل شده است. مباحث‌های این بخش عبارت‌اند از: ماهیت هنر اسلامی؛ علم‌الجمال و

زیبایی اسلامی؛ خیال؛ هنرمند اسلامی؛ هنر و طبیعت؛ محاکات؛ شمایل و خطاطی. گفتنی است اولاً ساختار و مباحث و گفتارهای این بخش بیش از هر چیزی در راستای ایجاد هماوردی با زیبایی‌شناسی هگل تنظیم شده است؛ مثلاً مبحث هنر و طبیعت در بخش دوم در راستای تمهید برای مقایسه میان با نظر خاص هگل در تنزل زیبایی طبیعت است؛ یا مبحث شمایل و خطاطی در راستای مقایسه با نظر هگل است که شمایل را برترین اثر هنری نامیده و در ضمن بحث از شمایل‌شکنی مسلمانان انتقاد می‌کند؛ ثانیاً عمده مطالب این بخش بر اساس تعالیم حکمت اسلامی است و در خلال بحث به منظور توضیح و تأیید از اشعار اسلامی و سایر آثار هنری، ذکری به میان آمده است.

بخش سوم به عنوان نتیجه‌گیری بحث و تحت عنوان بررسی تطبیقی است. این بخش متشکل از دو مبحث است: در مبحث اول مبانی زیبایی‌شناسی هگل و هنر در حکمت اسلامی مقایسه و تطبیق می‌شود. در مبحث دوم نیز برخی مسائل این دو با یکدیگر مقایسه می‌شود.

سپاسگزاری

حمد و سپاس پروردگاری را سزد که در نگارش این نگاه‌شسته و بالاخص خوشه‌چینی از بوستان حکمت اسلامی مرا مقرون لطف خویش قرار داد. بی‌تردید این تحقیق ثمره وجود استادان گرانقدری است که نگارنده از محضرشان بهره‌ها برده‌ام. از همه آنان کمال تشکر و امتنان را دارم. به علاوه در اینجا بر خود لازم می‌دانم سپاسگزار ارزیاب‌های محترم این تحقیق باشم: استاد ارجمند حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر ابوالحسن غفاری که نکته‌سنجی‌های دقیق خویش را از نگارنده دریغ نکردند و نیز استاد گرانقدر، آقای دکتر علی مرادخانی که با موشکافی‌های استادانه خویش از کاستی‌های این تحقیق کاستند. از حق تعالی توفیقات روزافزون برای همه استادان بالاخص این دو استاد ارجمند را درخواست دارم؛ همچنین از پدر و مادر دلسوزم قدردان هستم که در دشواری‌های زندگی همواره یاور و فداکار برایم بوده‌اند. از همسر

فاضله عزیزم نیز تشکر می‌کنم که در سایه همیاری صبورانه و همدلی مهربانانه او این کتاب به سرانجام رسید.

تمامی کاستی‌ها و نواقص اثر به نگارنده باز می‌گردد. در پایان از همه استادان، محققان و دانش‌جویانی که این نگاشته را مطالعه می‌کنند، می‌خواهم انتقادهای و پیشنهادهای سازنده خویش را در اختیار نگارنده قرار دهند تا در چاپ‌های بعدی این نگاشته و نگاشته‌های دیگر از آنها بهره‌برده، آثار آراسته‌تری تقدیم کنم.

قم المقدسه

محمد مهدی حکمت‌مهر^۱